

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

چکیده

هدف از این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا بوده است. این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا رهیافت کیفی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق را صاحب‌نظران و مسئولان حوزه دیپلماسی ورزشی تشکیل می‌دهند. جهت نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد و نمونه‌گیری تا جایی تداوم یافت که پژوهش به اشباع نظری و کفایت رسید (۱۱ نفر). همچنین جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق استفاده شده است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری روایی و پایایی ابزار پژوهش از معیارهای «گوبا» و «لینکلن» استفاده شده است. سرانجام در این تحقیق جهت تحلیل داده‌های کیفی از نرم‌افزار Maxqda نسخه ۱۲ استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد دیپلماسی ورزشی تابع دو بعد دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی و دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی است. همچنین مشخص گردید پیش‌نیازهای دیپلماسی ورزشی ترکیبی از مقوله‌های فرعی کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی، جریان‌سازی، قابلیت‌های مورد نیاز برای مسئولان روابط بین‌الملل، بسترسازی، تدوین برنامه راهبردی، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم و آگاهی بین‌المللی است. به موجب این نتیجه به راهبران و دست‌اندرکاران دیپلماسی ورزشی پیشنهاد می‌گردد با فراهم سازی بستر مناسب برای عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی موجبات اثربخش‌تر کردن این عوامل بیش از پیش فراهم سازند تا از این طریق شاهد پویایی و توسعه این قدرت نرم در عرصه بین‌المللی بود.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی نرم، دیپلماسی ورزشی، ورزش ایران.

Identifying Factors Influencing Iranian Sport Diplomacy Using content analysis approach

Abstract

The purpose of this study was to identify the factors affecting sport diplomacy in Iran by qualitative analysis approach. This study was conducted with qualitative approach and content analysis method. The statistical population of the study consisted of sports diplomacy experts. Purposeful sampling and snowball sampling technique were used and sampling was continued until the research reached theoretical saturation and adequacy ($n = 11$). In-depth interviews were also used to collect the data. The questions of this interview were open-ended and based on the purpose of the research. In this study, Guba and Lincoln criteria were used to measure the validity and reliability of the research instrument. Finally, Maxqda version 12 software was used to analyze qualitative data. The results of the interview analysis showed that sports diplomacy is defined by two types of sports diplomacy for sport leadership and sports diplomacy influenced by political factors. It was also found that the prerequisites for sport diplomacy are a combination of subcategories of international seats in sport, having a roadmap for international diplomacy leaders, streamlining, early capacities for international relations officials. It is the foundation, the formulation of the strategic plan, the investment in promoting soft power and international awareness. Therefore, it is suggested that sport diplomacy leaders and practitioners provide a better context for the factors influencing sport diplomacy to make these factors more effective in order to see the dynamics and development of this soft power in the field. It was international.

Keywords: Diplomacy, Public Diplomacy, Soft Diplomacy, Sport Diplomacy, Iranian Sport.

امروزه ورزش یکی از ابزارهای موثر در دست دولت‌ها برای ایفای نقش‌های سیاسی است (مقصودی، ۱۳۹۳: ۲). دولت‌ها از ورزش برای بهبود تصویر بین‌المللی و بهبود روابط خود استفاده می‌کنند، از طرفی برخی نیز درصدد آن هستند با استفاده از ورزش نوعی پذیرش در جامعه جهانی برای خود بدست آورند (مرکل^۱، ۲۰۰۹: ۲۹۲). به همین خاطر در عصر کنونی وجوه سیاسی ورزش به صورت گسترده‌ای رسمیت پیدا کرده است و سبب شده است ورزش در روابط بین‌الملل جزء جدایی‌ناپذیر روابط بین دولت‌ها باشد. از اواخر قرن نوزدهم میلادی، دو روند همزمان افزایش روزافزون تعاملات بین‌المللی و بین‌المللی شدن ورزش در جریان بوده‌اند. به‌رغم توجه امروزی دانش سیاست و به تبع آن، زیرحوزه دانش روابط بین‌الملل به بسیاری از حوزه‌هایی که پیش‌تر در این دو دانش چندان وقعی بدان‌ها نهاده نمی‌شد، حوزه ورزش سیاسی همچنان در حاشیه این دو دانش به سر می‌برد و عنایتی جدی به آن معطوف نشده است (خبیری و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۴۴). این در حالی است که ورزش به منزله اکسیری برای دولت‌هاست که بعنوان یک ابزار دیپلماتیک بکر و دست نخورده می‌تواند افتراق را از بین ببرد و توسعه، گفتگو و پایداری را ترویج دهد. مؤسساتی که در زمینه ورزش و دیپلماسی فعالیت می‌نمایند، می‌توانند ارزش‌های ورزشی مثبتی از قبیل احترام متقابل، نظم، صبر و تحمل، و دلسوزی را در بین روابط تند و خشن سیاسی افزایش دهند و مایه تلطیف این فضا شوند (لی^۲، ۲۰۱۳: ۱۷۲۶). مورای^۳ دیپلماسی ورزشی را نوعی اکسیر می‌داند که فقر، اختلافات و افتراق ملت‌ها از یکدیگر را از بین می‌برد و توسعه بیشتر را ترویج می‌نمایند؛ این پدیده ارزش‌های مثبت همانند احترام متقابل، نظم، صبوری، مهربانی و تعهد را تقویت می‌نماید (مورای، ۲۰۱۸).

پیش‌تر پژوهش‌های زیادی پیرامون تعامل میان دیپلماسی و ورزش و اینکه چگونه دیپلماسی ورزش را تقویت کرد و سرانجام دستاوردهای این قدرت نرم چیست انجام شده است، اما پژوهشی که به طور ویژه به بررسی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی پرداخته باشد یافت نشد. برای مثال در پژوهش‌های داخلی گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و جوانان و وزارت امور خارجه به عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی- ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی، راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان است. در پژوهشی دیگر خبیری و فتاحی‌زاده (۱۳۹۸) با بررسی مراد از دیپلماسی ورزشی نشان دادند پیشبرد توسعه، اعمال قدرت نرم، ایجاد

^۱ Merkel

^۲ Li

^۳ Murray

محملی برای گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی و ارتقای روابط صلح آمیز میان دولت‌ها دستاوردهای این دیپلماسی است. اما شریعتی و گودرزی (۱۳۹۶) به بررسی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش پرداختند و این مؤلفه‌ها را شامل برندسازی بین‌المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، برون رفت از بعد تاریک، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه‌ای و توسعه قدرت هوشمندانه می‌دانستند. این در حالی است که بابایی و همکاران (۱۳۹۴) بر ایجاد اتحاد، غرور ملی و یکپارچگی فرهنگی در همه اقشار جامعه و نیل به توسعه اقتصادی و همگرایی تأکید کرده بودند. عبدی و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با استراتژی‌های سیاسی هر کشور (ایالت) باشد، خروجی آن می‌تواند هم‌راستای خروجی دیپلماتیک مدنظر هر کشور باشد. همچنین اوزساری و همکاران^۱ (۲۰۱۸) دریافتند که دیپلماسی ورزشی یک فعالیت دیپلماسی نرم و منطقی است و ملت‌ها فعالیت‌های دیپلماسی ورزشی را از طریق سازمان‌های ورزشی بین‌المللی و برندهای ملی انجام می‌دهند. با این حال دی‌سان اوجینو و همکاران^۲ (۲۰۱۷) کشف کردند که مشکلات سیاسی ناشی از برنامه‌ریزی و پیچیدگی ژئوپلیتیکی اثرگذاری دیپلماسی ورزشی را با چالش روبرو کرده است. اوشکوسکا و پتروشکوسکا^۳ (۲۰۱۵) نیز با بررسی توسعه و کارکرد دیپلماسی ورزشی گزارشی کردند که ترویج نفوذ سیاسی کشورها، گسترش فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی و همچنین تقویت صلح دستاوردهای دیپلماسی ورزشی است. مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد دیپلماسی ورزشی یک فعالیت نرم و منطقی است (برای مثال اوزساری و همکاران، ۲۰۱۸)، استفاده از آن همواره دستاوردهای زیادی را به همراه دارد (برای مثال خبیری و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۸) و تابع مؤلفه‌های مختلفی است (برای مثال شریعتی و گودرزی، ۱۳۹۶). با این حال پیچیدگی ژئوپلیتیکی اثرگذاری دیپلماسی ورزشی را با چالش روبرو کرده است (برای مثال اوجینو و همکاران، ۲۰۱۷) چرا که موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی، خصوصیات فرهنگی و دیگر عوامل ژئوپلیتیکی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی کشورها، موثر است و قاعدتاً دیپلماسی ورزشی نیز که یکی از ارکان دیپلماسی عمومی است از این قاعده مستثنی نیست (اوجینو و همکاران، ۲۰۱۷). از طرفی یک توافق جمعی پیرامون مؤلفه‌های سازنده دیپلماسی ورزشی وجود ندارد و این سبب شده است فاصله و گسست میان تعریف و تبیین مقوله دیپلماسی ورزشی به وجود آید (برای مثال مؤلفه‌های مطرح شده برای دیپلماسی ورزش در تحقیق‌های شریعتی و گودرزی، ۱۳۹۶؛ با مؤلفه‌های کشف شده در تحقیق بابایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ یکی نیست)؛ همچنین نقش ورزش به عنوان یک ابزار موثر در توسعه روابط بین‌الملل بسیار مورد تأکید و توجه قرار گرفته است (برای مثال عبدی و همکاران، ۲۰۱۹)، اما اینکه تحقیقی به طور خاص

^۱ Özsari

^۲ de-San-Eugenio

^۳ Ushkovska & Petrushevsk

مشخص کند که چه پیشایندها یا الزاماتی می‌تواند دیپلماسی ورزشی را عرصه روابط بین‌الملل توسعه دهد، انجام نشده است و چون در جهان امروز در دیپلماسی بین‌المللی به منظور رشد اقتصاد داخلی و مقابله با سیاست انزوا، توجه به روابط رسمی و غیررسمی نیاز بسیار ضروری است و در این بین ورزش نقش مهمی را ایفاء می‌کند، لازم است در وهله اول مشخص گردد که دیپلماسی ورزشی تابع چه مؤلفه‌های است؟ و اینکه چگونه می‌توان دیپلماسی ورزشی را توسعه داد؟ این مسائل اهمیت انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه را بیش از پیش نمایان ساخته و به دلیل اینکه ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژی و برنامه‌های راهبردی بر دیپلماسی ورزش اثرگذار و این ویژگی‌ها از جانب دولت‌ها به طرق مختلف دنبال می‌شود، ضروری است شناخت این مؤلفه‌ها و عوامل موثر بر آن با تأکید بر جنبه‌های داخلی و از منظر صاحب‌نظران این حوزه پیگیری و احصاء شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا رهیافت کیفی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق را صاحب‌نظران حوزه دیپلماسی ورزشی تشکیل می‌دهند. جهت نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است و نمونه‌گیری تا جایی تداوم یافت که پژوهش به اشباع نظری و کفایت رسید (۱۱ نفر). اطلاعات جمعیت‌شناختی این افراد به شرح جدول شماره ۱ می‌باشد.

جدول ۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در تحقیق

ردیف	شغل	تحصیلات	حوزه فعالیت اجرائی دانشگاهی
۱- مصاحبه	هیأت علمی	دکتری	*
۲- مصاحبه	مجربی رادیو ورزش	کارشناس ارشد	*
۳- مصاحبه	رئیس کمیسیون بین‌الملل کمیته ملی المپیک	دکتری	*
۴- مصاحبه	اعضای کمیسیون روابط بین‌الملل کمیته ملی المپیک	دکتری	*
۵- مصاحبه	عضو هیئت رئیسه فدراسیون جهانی بدمیتون	دکتری	*
۶- مصاحبه	هیأت علمی	دکتری	*
۷- مصاحبه	عضو هیئت رئیسه کنفدراسیون شنای آسیا	کارشناس ارشد	*
۸- مصاحبه	پژوهشگر مسایل بین‌الملل	کارشناس ارشد	*
۹- مصاحبه	نایب رئیس کمیته فنی فدراسیون جهانی واترپلو	کارشناس ارشد	*
۱۰- مصاحبه	نایب رئیس فدراسیون دوومیدانی در آسیای میانه	دکتری	*
۱۱- مصاحبه	دکتری مدیریت راهبردی	دکتری	*

همچنین شاخص‌های پژوهش‌گران جهت نمونه‌گیری از میان جامعه آماری شامل این بود که افراد با دیپلماسی و دیپلماسی ورزشی آشنا باشند، دارای کتاب و مقاله علمی- پژوهشی تألیف شده، دارای سابقه تدریس و دارای تجربه کاری در زمینه‌های مذکور باشند. همچنین جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق استفاده شده است. سؤالات این مصاحبه به صورت باز و کلی و بر مبنای اهداف تحقیق تعیین شده است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری روایی و پایایی ابزار پژوهش از معیارهای «گوبا»^۱ و «لینکلن»^۲ استفاده شده است. در بحث روایی شاخص‌های اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تأییدپذیری و در بحث پایایی از روش پایایی بازآزمون استفاده شده است.

جدول ۲، محاسبه پایایی

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی
۱	مصاحبه ۳	۱۳	۶	۳	۰/۹۲۳
۲	مصاحبه ۶	۱۸	۷	۴	۰/۷۷۷
۳	مصاحبه ۹	۱۲	۵	۱	۰/۸۳۳
	جمع	۴۳	۱۸	۸	۰/۸۳۷

با استناد به نتایج جدول شماره ۲، پایایی بازآزمون مصاحبه‌های این پژوهش برابر با ۸۳۷٪ است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰٪ است بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. سرانجام به منظور تحلیل داده‌های گردآوری شده از دو فرایند همپوش کدگذاری اولیه (شناسایی مقوله‌های فرعی) و کدگذاری محور (ساخت مقوله‌های اصلی) با کمک نرم‌افزار (Maxqda) استفاده شده است.

یافته‌ها

در ادامه کدهای اولیه براساس متن مصاحبه در جدول شماره ۲، ارائه شده است. لازم به ذکر است در این پژوهش به جای ارائه تمامی صفحات نگارش شده از مصاحبه‌ها، فقط نکات کلیدی مصاحبه‌ها براساس حاشیه‌نویسی بر متون مصاحبه تعیین شده است.

جدول ۲، کدگذاری اولیه براساس متن مصاحبه

شماره مصاحبه	کدهای اولیه (مقوله‌های فرعی)
۲م، ۸م، ۹م، ۱۱م	توسعه ارکان ورزش به ویژه توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای
۱م، ۸م، ۱۰م	روش اعمال تدابیر لازم در حوزه ورزش
۱م، ۸م	توسعه روابط دیپلماتیک
۲م، ۱۰م، ۱۱م	خروج از انزوای سیاسی
۲م، ۸م	ابزاری برای انتقال ارزش‌ها
۲م، ۸م، ۱۱م	عرصه انتقال دیپلماسی فرهنگی

^۱ Guba

^۲ Lincoln

ادامه جدول ۲، کدگذاری اولیه براساس متن مصاحبه

شماره مصاحبه	گزاره‌های منطقی (کد اولیه)
۱۰م، ۸م، ۲م	روان‌سازی روابط سیاسی
۸م، ۱م	ورزش برای راهگشایی در سیاست
۸م، ۲م	بهبود روابط بین‌الملل
۱۰م، ۸م	افزایش اعتبار بین‌المللی ورزشی
۸م، ۱م	مصلحت‌اندیشی و تدبیر در حوزه ورزش
۳م، ۴م، ۱م، ۲م	عضویت در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی
۳م، ۲م، ۱م	حضور مؤثر در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی
۳م، ۱۱م، ۱۰م، ۸م	ارتباط‌گیری روسای فدراسیون با عناصر خارجی
۳م	شناسایی افراد مؤثر در سازمان متبوع از سوی روسای فدراسیون
۳م، ۴م، ۱۰م، ۱۱م	مشخص کردن نحوه ارتباط‌گیری از سوی روسای فدراسیون
۳م	داشتن برنامه برای آینده در فدراسیون جهانی
۳م	استفاده از ظرفیت سازمان‌های غیردولتی
۲م، ۱م	تلاش برای دستاوردهای بخشی نه فردی
۱۰م، ۳م	استفاده از ورزشکاران و مربیان مطرح در کمیته ملی المپیک
۲م	داشتن برنامه براساس سیاست حاکم بر کشور
۳م، ۴م، ۶م، ۸م	رشد و تربیت مدیر دیپلماسی ورزشی
۱م، ۶م	پیروی از استراتژی‌های شفاف در بحث دیپلماسی
۱۰م، ۳م	شناسایی و کمک‌گیری از افراد تأثیرگذار غیرورزشی
۳م، ۱۰م، ۱۰م، ۹م	استفاده از ظرفیت وزارت خارجه
۱۱م، ۲م، ۵م	ثبات مدیریت در ایران
۲م	داشتن برنامه استراتژیک با ضمانت اجرایی
۱۰م، ۵م	حفظ افرادی که در مجامع بین‌المللی کرسی‌های ورزشی در اختیار دارند
۱۱م، ۲م، ۳م	بکارگیری افراد فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی
۱۱م، ۲م	حضور در گروه‌های تأثیرگذار
۳م، ۱م، ۲م	عضویت در هیات‌های اجرای فدراسیون‌های جهانی
۴م، ۶م، ۷م، ۱م	دانش علمی
۸م	شناخت معاهدات ورزشی بین‌المللی
۳م، ۸م، ۱۰م	دانش دیپلماسی ورزش
۱۱م، ۲م، ۸م	خودآگاهی سیاسی
۱۱م، ۵م، ۴م	فن بیان مناسب
۷م، ۶م	داشتن مهارت سیاسی برای مدیران
۴م، ۵م، ۸م	تسلط به زبان انگلیسی
۴م، ۵م، ۷م	آگاهی کامل به موضوع و کرسی که در اختیار دارد
۵م، ۹م، ۱۰م	شکل‌گیری کمیته‌های تخصصی در فدراسیون‌ها پیرامون دیپلماسی

ادامه جدول ۲، کدگذاری اولیه براساس متن مصاحبه

شماره مصاحبه	گزاره‌های منطقی (کد اولیه)
۱۰م، ۵م	خصوصی سازی ورزش در کشور
۹م، ۵م، ۲م	بکارگیری ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماسی
۹م، ۲م، ۱م	حمایت مسئولین کرسی‌های بین‌المللی ورزشی از سوی مسئولان کشور
۱م، ۸م	استفاده از ظرفیت مشاوره‌ای وزارت خارجه
۹م، ۱م، ۸م	تعیین جایگاهی برای ورزش از سوی وزارت امور خارجه
۲م	پیگیری دیپلماسی از طریق نهادهای غیردولتی
۹م، ۱م	وجود کارشناس ورزش در دستگاه وزارت خارجه
۲م	توسعه دیپلماسی عمومی از سوی دولت
۱م، ۲م	روشن‌سازی دکترین سیاست خارجی کشور
۹م، ۷م	ایجاد کمیته‌های اجرایی با هدف کسب کرسی‌های بین‌المللی
۹م، ۲م، ۱م	هماهنگ‌سازی دستگاه دخیل در امر دیپلماسی
۱۰م، ۶م، ۱م	تعریف رشته روابط بین‌الملل در ورزش ذیل دانشکده‌های ورزشی
۱م	ایجاد یک نهاد نظارتی برای پیشبرد دیپلماسی ورزش
۱۰م، ۹م، ۲م	در نزد مسئولان عالی رتبه کشور به ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماتیک نگاه شود
۳م، ۲م، ۱م	ارزش‌گذاری دیپلماسی ورزش از سوی شورای عالی ورزش کشور
۵م، ۲م	تعیین چارچوب کلی برای دیپلماسی ورزشی
۷م، ۶م، ۴م	دانش تجربی
۶م	استفاده از ورزش به عنوان یک راهبرد اولویت‌دار
۶م	تعیین چشم‌انداز
۱۰م، ۹م، ۶م	تعیین فلسفه وجودی ورزش
۶م	شناخت پیشران‌های اصلی حوزه ورزش
۱۰م، ۲م	تدوین برنامه مبتنی بر سیاست‌های ملی کشور
۶م، ۳م، ۲م	هدف‌گذاری‌ها
۱۰م، ۷م، ۲م	تخصیص بودجه کافی ویژه کسب کرسی‌های موثر در سازمان‌های بین‌المللی
۴م، ۱م، ۷م، ۲م	اختصاص اعتبارات ارزی مناسب برای هزینه در مجامع بین‌المللی ورزشی
۷م، ۲م	هزینه‌کرد در ورزش از طریق برگزاری رویدادهای ورزشی مهم
۱۱م	منابع مالی برای حمایت از برنامه‌های دیپلماسی
۱م، ۸م، ۲م	تبیین و شناخت وضعیت اجتماعی کشورهای دیگر
۱۱م، ۱م، ۸م، ۲م	تبیین و شناخت وضعیت سیاسی کشورهای دیگر

مرحله دوم کدبندی داده‌ها ساخت مقولات فرعی است. در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. همانگونه که ملاحظه می‌شود در ضمن انجام تجزیه و تحلیل، پژوهش‌گر به کدهای اولیه متعددی دست یافته است. نکته مهم در این میان این است که این کدها باید مبنایی باشند، یعنی باید پدیده‌های مشابه با همدیگر طبقه‌بندی شوند. روند طبقه‌بندی مفاهیم که به نظر می‌رسد به پدیده-

های مشابه ربط پیدا می‌کند مقوله‌پردازی نامیده می‌شود. آنگاه به مقوله‌ای که پدیده‌ای را شامل می‌شود یک اسم مفهومی داده می‌شود باید توجه داشت که این اسم باید انتزاعی‌تر از اسامی مفهومی باشد (چارمز^۱، ۲۰۰۶).

جدول ۳، ساخت مقوله‌های فرعی براساس مفاهیم مشترک بین کدهای اولیه

کدهای اولیه (مقوله‌های فرعی)	کدهای محوری (مقوله‌های اصلی)
توسعه ارکان ورزش به ویژه توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای	
روش اعمال تدابیر لازم در حوزه ورزش	دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی
افزایش اعتبار بین‌المللی ورزشی	
مصلحت‌اندیشی و تدبیر در حوزه ورزش	
توسعه روابط دیپلماتیک	
خروج از انزوای سیاسی	
ابزاری برای انتقال ارزش‌ها	دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی
عرضه انتقال دیپلماسی فرهنگی	
روان‌سازی روابط سیاسی	
ورزش برای راهگشایی در سیاست	
بهبود روابط بین‌الملل	
عضویت در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی	کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش
حضور مؤثر در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی	
حضور در گروه‌های تأثیرگذار	
عضویت در هیات‌های اجرای فدراسیون‌های جهانی	
ارتباط‌گیری روسای فدراسیون با عناصر خارجی	
شناسایی افراد مؤثر در سازمان متنوع از سوی روسای فدراسیون	داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی
مشخص کردن نحوه ارتباط‌گیری از سوی روسای فدراسیون	
داشتن برنامه برای آینده در فدراسیون جهانی	
تلاش برای دستاوردهای بخشی نه فردی	
استفاده از ورزشکاران و مربیان مطرح در کمیته ملی المپیک	
داشتن برنامه براساس سیاست حاکم بر کشور	
رشد و تربیت مدیر دیپلماسی ورزشی	
پیروی از استراتژی‌های شفاف در بحث دیپلماسی	جریان‌سازی
شناسایی و کمک‌گیری از افراد تأثیرگذار غیرورزشی	
استفاده از ظرفیت وزارت خارجه	
ثبات مدیریت در ایران	
داشتن برنامه استراتژیک با ضمانت اجرایی	
بکارگیری افراد فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی	

ادامه جدول ۳، ساخت مقوله‌های فرعی براساس مفاهیم مشترک بین کدهای اولیه

کدهای اولیه (مقوله‌های فرعی)	کدهای محوری (مقوله‌های اصلی)
حفظ افرادی که در مجامع بین‌المللی کرسی‌های ورزشی دارند	جریان سازی
استفاده از ظرفیت سازمان‌های غیردولتی	
دانش علمی	
شناخت معاهدات ورزشی بین‌المللی	قابلیت‌های مورد نیاز برای
دانش دیپلماسی ورزش	مسئولان روابط بین‌الملل
خودآگاهی سیاسی	
دانش تجربی	
فن بیان مناسب	ظرفیت‌های اولیه برای مسئولان
داشتن مهارت سیاسی برای مدیران	روابط بین‌الملل
تسلط به زبان انگلیسی	
آگاهی کامل به موضوع و کرسی که در اختیار دارد	
شکل‌گیری کمیته‌های تخصصی در فدراسیون‌ها پیرامون دیپلماسی	
بکارگیری ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماسی	
حمایت مسئولین کرسی‌های بین‌المللی ورزشی از سوی مسئولان	
استفاده از ظرفیت مشاوره‌ای وزارت خارجه	
تعیین جایگاهی برای ورزش از سوی وزارت امور خارجه	
پیگیری دیپلماسی از طریق نهادهای غیردولتی	
وجود کارشناس ورزش در دستگاه وزارت خارجه	
خصوصی سازی ورزش در کشور	
توسعه دیپلماسی عمومی از سوی دولت	بسترسازی
روشن‌سازی دکترین سیاست خارجی کشور	
ایجاد کمیته‌های اجرایی با هدف کسب کرسی‌های بین‌المللی	
هماهنگ‌سازی دستگاه دخیل در امر دیپلماسی	
تعریف رشته روابط بین‌الملل در ورزش ذیل دانشکده‌های ورزشی	
ایجاد یک نهاد نظارتی برای پیشبرد دیپلماسی ورزش	
در نزد مسئولان عالی رتبه کشور به ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماتیک نگاه شود	
ارزش‌گذاری دیپلماسی ورزش از سوی شورای عالی ورزش کشور	
تعیین چارچوب کلی برای دیپلماسی ورزشی	
استفاده از ورزش به عنوان یک راهبرد اولویت‌دار	
تعیین چشم‌انداز	
تعیین فلسفه وجودی ورزش	تدوین برنامه راهبردی
شناخت پیشران‌های اصلی حوزه ورزش	
تدوین برنامه مبتنی بر سیاست‌های ملی کشور	
هدف‌گذاری‌ها	

ادامه جدول ۳، ساخت مقوله‌های فرعی براساس مفاهیم مشترک بین کدهای اولیه

کدهای اولیه (مقوله‌های فرعی)	کدهای محوری (مقوله‌های اصلی)
تخصیص بودجه ویژه کسب کرسی‌های موثر در سازمان‌های بین‌المللی	کدهای اولیه (مقوله‌های فرعی)
اختصاص اعتبارات ارزی مناسب برای هزینه در مجامع بین‌المللی	کدهای محوری (مقوله‌های اصلی)
هزینه‌کرد در ورزش از طریق برگزاری رویدادهای ورزشی مهم	سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم
منابع مالی برای حمایت از برنامه‌های دیپلماسی	
تبیین و شناخت وضعیت اجتماعی کشورهای دیگر	آگاهی بین‌المللی
تبیین و شناخت وضعیت سیاسی کشورهای دیگر	
تبیین و شناخت وضعیت فرهنگی کشورهای دیگر	

سرانجام با چینش مقوله‌های فرعی در کنار هم براساس منطق و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند مقولات اصلی بایستی ساخته شوند. این مرحله انتزاعی‌ترین سطح کدگذاری است که از طریق آن روابط بین مقوله‌های ایجاد شده تشریح می‌شود (چارمن، ۲۰۰۶).

جدول ۴، ساخت مقوله‌های اصلی براساس چینش مقوله‌های فرعی در کنار هم

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
مؤلفه‌های دیپلماسی	دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی
ورزشی	دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی
	کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش
	داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی
	جریان سازی
پیش‌نیازهای دیپلماسی	ظرفیت‌های اولیه برای مسئولان روابط بین‌الملل
ورزشی	بستر سازی
	تدوین برنامه راهبردی
	سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم
	آگاهی بین‌المللی

با استناد به نتایج چینش مقوله‌های فرعی در کنار هم مشخص گردید که متغیر دیپلماسی ورزشی ترکیبی از دو مقوله اصلی دیپلماسی ورزشی جهت راهبری ورزشی^۱ و دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی^۲ است. همچنین مشخص گردید که پیش‌نیازهای دیپلماسی ورزشی ترکیبی از مقوله‌های اصلی کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش^۳، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی^۴، جریان‌سازی^۵،

^۱ Sports Diplomacy for Sports Guiding

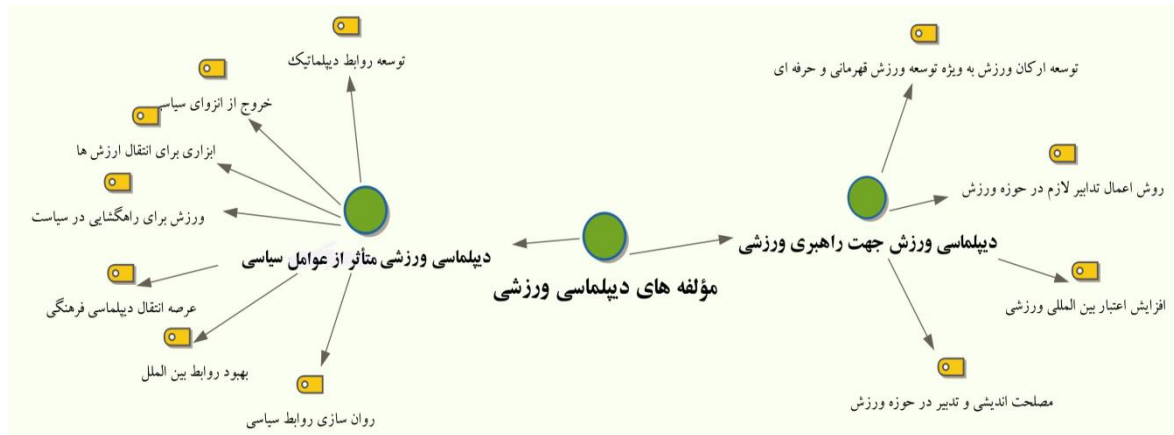
^۲ Sports diplomacy influenced by political factors

^۳ Gaining international seats in sport

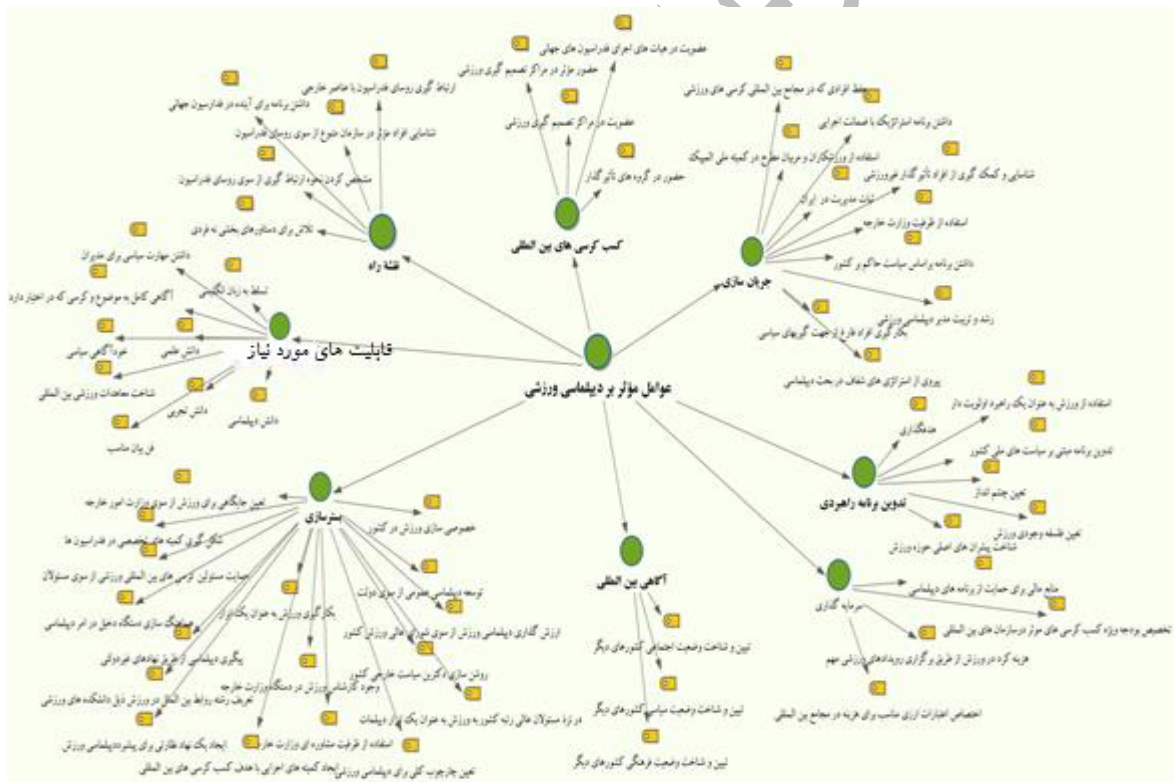
^۴ Having a roadmap for diplomacy leaders internationally

^۵ Mainstreaming

قابلیت‌های مورد نیاز برای مسئولان روابط بین‌الملل^۱، بسترسازی^۲، تدوین برنامه راهبردی^۳، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم^۴ و آگاهی بین‌المللی^۵ است. در این پژوهش برای نمایش کدهای نظری و قابل فهم بودن آن‌ها لایه‌های تفکیک شده‌ای ارائه می‌شود و در نهایت براساس قرار گرفتن لایه‌ها در کنار هم، مدل نهایی تحقیق ارائه می‌شود.



شکل ۱، مدل مفهومی مؤلفه های دیپلماسی ورزشی



شکل ۲، مدل مفهومی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی

^۱ Early Potential Capacities for International Relations Officers

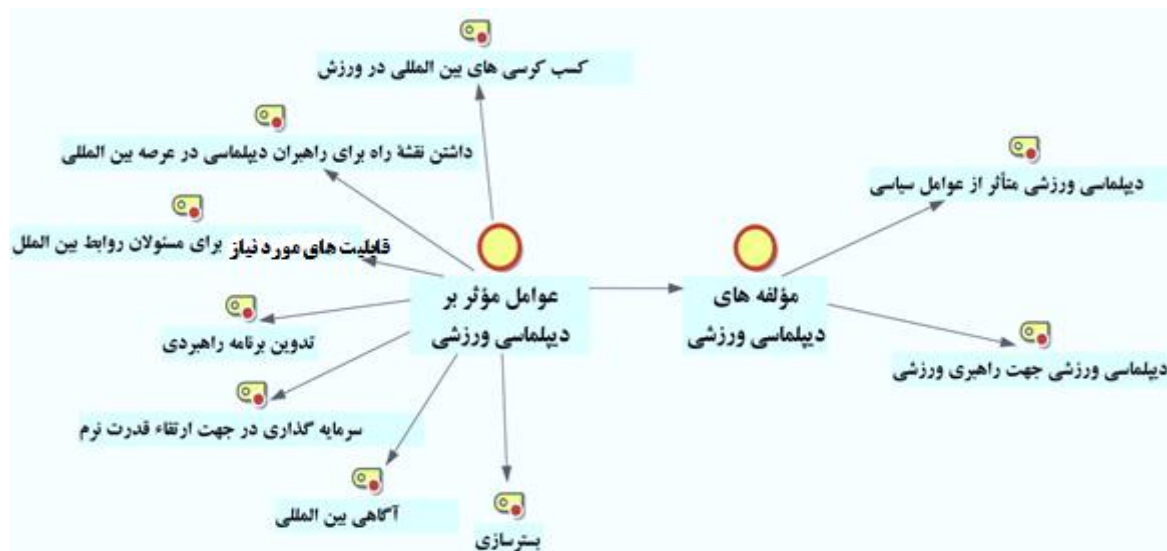
^۲ Bedding

^۳ Develop a strategic plan

^۴ Investment in upgrading soft power

^۵ International awareness

براساس ترکیب لایه‌های ارائه شده در شکل شماره ۱ و ۲، مدل نهایی تحقیق در شکل شماره ۳ ارائه شده است.



شکل ۳، مدل نهایی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که دیپلماسی ورزشی از دو طریق دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی و دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی تعریف می‌شود. در واقع مشخص گردید که دیپلماسی ورزشی از دو بعد دیپلماسی ورزشی جهت راهبری ورزشی و دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی تشکیل شده است. این یافته با نتیجه مطالعه جکسون^۱ (۲۰۱۳) مبتنی بر اینکه مشخص گردید که یکی از کارکردهای دیپلماسی ورزشی اثرگذاری بر روابط سیاست خارجه و روابط دیپلماتیک است، همخوان است و در تحقیق حاضر این کارکرد به عنوان مؤلفه دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی تعریف گردید. همچنین این یافته با نتیجه مطالعه اوشکوسکا و پتروشکوسکا (۲۰۱۵) که به این نتیجه رسیدند ورزش یک ابزار سیاسی ارزشمند در روابط بین‌الملل است، همخوان است. به علت اینکه در تحقیق اوشکوسکا و پتروشکوسکا (۲۰۱۵) نیز به مانند تحقیق حاضر از دیپلماسی ورزشی به عنوان یک ابزار سیاسی در راهبری روابط بین‌الملل یاد شده است. از طرفی ممکن است به دلیل ماهیت زبان مشترک دیپلماسی بین‌المللی بوده باشد. در نهایت مشخص گردید که این یافته با نتایج مطالعه عبدی و همکاران (۲۰۱۹) نیز همخوان است. در این تحقیق که بیشتر برای آن کارکرد سیاسی دیپلماسی ورزشی را می‌توان متصور بود مشخص گردید که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با استراتژی‌های سیاسی هر کشور (ایالت) باشد، خروجی آن می‌تواند هم‌راستای خروجی دیپلماتیک مدنظر هر کشوری باشد. اما با این حال این یافته

^۱ Jackson

با نتیجه مطالعه باقری و همکاران (۱۳۹۵) که طی تحقیقی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی را تعریف و تبیین کردند، ناهمخوان است. چرا که در مطالعه باقری و همکاران مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی در قالب مفاهیم توسعه فرهنگی، صلح و دوستی، تعاملات رسانه‌ای، وحدت و هویت ملی، توسعه سیاسی و مبارزه با انزو، توسعه اقتصادی، برندینگ و پرستیژ بین‌المللی و توسعه قدرت هوشمندانه خلاصه می‌شد اما در تحقیق حاضر دیپلماسی ورزشی در قالب دو مؤلفه تعریف شد و این دو مؤلفه نیز به حیث محتوایی مشخص گردید ماهیت آن با ماهیت مؤلفه‌های مطالعه باقری و همکاران در تضاد است. به عبارتی دیگر مؤلفه‌های شناسایی شده در این تحقیق با مؤلفه‌های حاصل شده در مطالعه باقری و همکاران یک معنا و مفهوم واحد نداشتند. یکی دیگر از علت‌های که سبب ناهمخوانی نتایج این دو تحقیق شده است، این است که در مطالعه باقری و همکاران (۱۳۹۵) به روندها و پیشران‌های مؤثر بر آینده دیپلماسی ورزشی پرداخته شده است تا شناسایی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی؛ به‌علاوه نتایج این تحقیق با نتایج مطالعه شریعتی و گودرزی (۱۳۹۶) ناهمخوان است. این تحقیق که با هدف مدلسازی ساختاری مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران انجام شد، مشخص ساخت که دیپلماسی ورزشی همان مؤلفه‌هایی را دارد که در مطالعه باقری و همکاران (۱۳۹۵) به آن اشاره شده است. به عبارتی دیگر نتایج تحقیق‌های نام برده کاملاً مشابه و همسان هم بود این در حالی است که رویکردهای این دو تحقیق از هم متفاوت است. لذا می‌توان اینگونه استنباط کرد که در تحقیق‌های نامبرده مؤلفه‌ی برای دیپلماسی ورزشی تعیین و تبیین نشده است بلکه بیشتر به شناسایی روندها، پیشران‌ها، پیامدها و عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل پرداخته شده است. در تصدیق این استنباط نوری و همکاران (۱۳۹۷) طی تحقیقی که با هدف طراحی الگوی دیپلماسی فوتبال ایران براساس نظریه زمینه‌ای انجام دادند به این نتیجه رسیدند که عوامل شناسایی شده در تحقیق‌های نام برده که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، در دسته‌بندی پیامدهای دیپلماسی ورزشی قرار دارند نا مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان که کارشناس مسائل بین‌الملل بود (مصاحبه-شونده شماره ۸) اشاره داشت؛ او معتقد است دیپلماسی ورزش متأثر از عوامل سیاسی، دیپلماسی است که از ظرفیت ورزش برای فعال ساختن برخی روابط سیاسی و دیپلماتیک در عرصه بین‌الملل استفاده می‌شود. یعنی جاهایی که ممکن است مسیرهای دیپلماسی بسته شده باشد ورزش به کمک دیپلماسی می‌آید. در واقع ورزش خدمات‌اش را به دیپلماسی ارائه می‌دهد. و بسیاری از کشورها از این ظرفیت استفاده کرده‌اند، نمونه بارز آن کشور آلمان بود که پس از جنگ جهانی دوم توانست با استفاده از ظرفیت ورزش خود را به ملل دیگر نزدیک کند. در مقابل اما دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی، این دیپلماسی کاملاً برعکس دیپلماسی ورزش متأثر از عوامل سیاسی است. در این بعد ورزش از دیپلماسی و ظرفیت دیپلماسی جهت اثرگذاری بر ورزش، روابط ورزشی، رویدادهای و اتفاقات‌های وابسته به آن استفاده و بهره‌مند می‌شود.

همچنین می‌توان اذعان داشت که این دیپلماسی یک نوع علم دیپلماسی است در جهت اینکه شخصی که تخصص دیپلماسی راهبری ورزش دارد بتواند از ظرفیت‌های خودش برای احقاق حقوق ورزشی در میدان ورزشی استفاده کند.

در تبیین دیگر می‌توان گفت که اثرگذاری این مؤلفه‌ها بر همدیگر متقابل است، براین اساس مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی را می‌توان تنها در قالب دو مؤلفه تعریف و تبیین کرد. در راهبری سیاسی ورزش به دیپلماسی و در راهبری ورزشی دیپلماسی به ورزش خدمت‌دهی می‌کند. براین اساس می‌توان گفت که دیپلماسی ورزشی ماهیتاً با دیپلماسی‌های دیگری برای مثال دیپلماسی هنر متفاوت است چرا که در دیپلماسی هنر از هنر به عنوان یک زبان بین‌المللی در پیشبرد اهداف فرهنگی استفاده می‌شود در حالی که در دیپلماسی ورزشی با راهبری ورزشی و راهبری سیاسی اهداف ورزشی و سیاسی یک کشور مدنظر قرار می‌گیرد، به همین دلیل است که ورزش ابزاری مؤثرتری برای ارتباطات دیپلماتیک کشورها به شمار می‌آید. به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق در سه حوزه مختلف می‌توان از ظرفیت دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی استفاده کرد. نخست پیش از برگزاری تورنمنت ورزشی یا رویداد ورزشی، دوم هنگام انجام آن رویداد، و در حالت سوم پس از انجام آن رویداد. به گفته این مصاحبه‌شوندگان: متأسفانه ما در مرحله پیش از برگزاری مسابقه ضعف داریم و این ضعف اساسی است. چونکه اگر چالش‌ها و مشکلات این عرصه را از طریق دیپلماسی ورزشی حل و فصل نماییم، مشکلات ادامه دار نخواهد بود و به مراحل حین و پس از انجام رویداد نمی‌رسد. لذا برای حل این مسئله بایستی راهبران دیپلماسی ما مجهز به یک سری پتانسیل‌های باشند که آنان را در امور مورد نظر راهنمایی و هدایت کند.

همچنین براساس چینه‌های اولیه حاصل از انجام مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه مشخص گردید که دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی در قالب توسعه ارکان ورزش به ویژه توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، روش اعمال تدابیر لازم در حوزه ورزش، افزایش اعتبار بین‌المللی ورزشی و مصلحت‌اندیشی و تدبیر در حوزه ورزش نمود پیدا می‌کند. در مقابل توسعه روابط دیپلماتیک، خروج از انزوای سیاسی، ابزاری برای انتقال ارزش‌ها، عرصه انتقال دیپلماسی فرهنگی، روان‌سازی روابط سیاسی، ورزش برای راهگشایی در سیاست و بهبود روابط بین‌الملل تبیین‌کننده و توضیح‌دهنده دیپلماسی ورزش متأثر از عوامل سیاسی بود.

در بخش دیگری از پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که دیپلماسی ورزشی از طریق چند عامل می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد. در واقع مشخص گردید که دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل متأثر از چندین پیش‌نیاز یا پیشران یا عامل اصلی است. این عوامل شامل کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی، جریان‌سازی، قابلیت‌های مورد نیاز برای مسئولان روابط بین‌الملل، بسترسازی، تدوین برنامه راهبردی، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم و

آگاهی بین‌المللی بود. این یافته با نتایج تحقیق نوری و همکاران (۱۳۹۷) در زمینه بسترسازی و سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم همخوان است. چرا که در تحقیق مذکور مصداق این عوامل در قالب عوامل اقتصادی و عوامل مرتبط با دولت و سیاست تاحدودی نمود پیدا می‌کرد. همچنین این یافته با نتایج تحقیق گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است. به علت اینکه آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی از جمله راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان مشارکت‌کننده در این تحقیق بود. به علاوه این یافته همخوان با نتیجه مطالعه دی‌سان اوجینو و همکاران (۲۰۱۷) است. به موجب اینکه در این تحقیق به روشنی اشاره به این شده است که یکی از چالش‌های پیش‌روی دیپلماسی ورزشی نزد باشگاه‌های ورزشی عدم برنامه‌ریزی می‌باشد. در مقابل این تحقیق نشان داد که یکی از پارامترهای اثرگذار بر دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل تدوین برنامه راهبردی است. این در حالی است که نتایج تحقیق هوشمندی و بابایی (۱۳۹۴) که با محوریت دیپلماسی ورزشی، سیاست‌ها و ایجاد صلح انجام شد با یافته‌های این تحقیق ناهمخوان است. به دلیل اینکه در این تحقیق مشخص گردید که از طریق چهار ساز و کار می‌توان دیپلماسی ورزشی را ایجاد کرد که شامل تصویرسازی، ایجاد یک هدف سیاسی برای گفتگو، اعتمادسازی و آشتی، اتحاد و مبارزه با تبعیض نژادی بود. همچنین نتیجه تحقیق بابایی و همکاران (۱۳۹۴) که اشاره به استفاده از راهبرد نفوذ، جذب و اقتناع در ورزش داشت، با یافته‌های این تحقیق در تضاد است. به علاوه این یافته با نتایج مطالعه خیبری و فتاحی‌زاده (۱۳۹۸) که به اعمال قدرت نرم، ایجاد محملی برای گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی و ارتقای روابط صلح آمیز میان دولت‌ها اشاره داشتند، ناهمخوان است. چونکه عوامل تعیین‌کننده دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌المللی با عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی در این تحقیق همراستا و هم‌جهت نیست. در نهایت مشخص گردید که نتایج تحقیق عیدی و همکاران (۲۰۱۹) که تناسب منابع را با استراتژی‌های سیاسی هر کشور مطرح ساخته بود، با یافته‌های این تحقیق ناهمخوان است. چرایی این ناهمخوانی را می‌توان به تفاوت‌های زمینه‌ای این تحقیق و تحقیق نام‌برده منتصب دانست. چرا که در این دو تحقیق جوامع مختلفی بررسی شده و اینکه سطح دیپلماسی، فرهنگ دیپلماسی، وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی این جوامع احتمال می‌رود متفاوت از هم باشد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به نتایج یکی از تحقیق‌های انجام گرفته در این راستا (شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۴) اشاره داشت که مشخص ساخت جمهوری اسلامی ایران تاکنون به دلیل نداشتن استراتژی واحد در زمینه دیپلماسی ورزشی و دید «حیات خلوت» به ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق از دست داده است. در واقع این تحقیق اشاره به این دارد که بهره‌مندی از

دیپلماسی ورزشی در گرو این است که پیشران‌ها و پارامترهای مؤثر بر آن را تدوین و اجرایی نماییم، از منظر تحقیق مذکور یکی از این پیشران‌ها داشتن استراتژی واحد است. اما از منظر این تحقیق کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش با محوریت اینکه در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی و هیات‌های اجرایی فدراسیون‌های جهانی عضویت داشته باشیم و در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی و گروه‌های تأثیرگذار حضور مؤثر بعمل آوریم، یک پیشران اساسی به شمار می‌رود. چرا که به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان (مصاحبه شونده شماره ۳) در کمیته بین‌المللی المپیک ۱۱۵ ایوسی ممبر (یا عضو کمیته بین‌المللی) وجود دارد که از این تعداد حتی یک فرد ایرانی نمی‌باشد. ما در جایگاه تصمیم‌گیری ورزشی جهان نیستیم چرا که ما در واقع هیچگونه دیپلماسی ورزشی نداریم تا بتوانیم در این جایگاه عضویتی داشته باشیم، و چون عضویت در این گروه‌ها و مراکز تصمیم‌گیری یکی از راه‌های اساسی پیاده‌سازی دیپلماسی ورزشی است، لازم است توجه ویژه‌ای به این پارامتر داشت. در ادامه یکی دیگر از شاخص‌های که در این تحقیق مشخص گردید می‌تواند بر دیپلماسی ورزشی مؤثر باشد، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌الملل بود. تحلیل و چینش کدهای اولیه نشان داد این عامل از طریق ارتباط‌گیری روسای فدراسیون با عناصر خارجی، شناسایی افراد مؤثر در سازمان متبوع از سوی روسای فدراسیون، مشخص کردن نحوه ارتباط‌گیری از سوی روسای فدراسیون، داشتن برنامه برای آینده در فدراسیون جهانی و تلاش برای دستاورهای بخشی نه فردی می‌تواند تحقق یابد. همچنین مشخص گردید که جریان‌سازی یکی دیگر از محورهای مؤثر بر دیپلماسی ورزشی است. منظور از جریان‌سازی این است که از ورزشکاران و مربیان مطرح در کمیته ملی المپیک استفاده شود، براساس سیاست حاکم بر کشور برای دیپلماسی برنامه تنظیم شود، مدیر دیپلماسی ورزشی تربیت شود، از استراتژی‌های شفاف در بحث دیپلماسی استفاده شود، از افراد تأثیرگذار غیرورزشی کمک بگیریم، ثبات مدیریت برقرار باشد، برنامه استراتژیک با ضمانت اجرایی وجود داشته باشد، افرادی که در مجامع بین‌المللی کرسی‌های ورزشی دارند را حفظ نماییم و از افراد فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی در کسب کرسی‌های بین‌المللی حمایت و استفاده کنیم.

در تبیین دیگر می‌توان اشاره به این داشت که ظرفیت‌های اولیه برای مسئولان و روابط بین‌الملل جزء واجبات بهره‌مندی از دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل می‌باشد. براساس مصاحبه‌های که با صاحب‌نظران این حوزه انجام شد، این اتفاق نظر در بین پاسخ‌دهندگان وجود داشت که مسئولان و راهبران دیپلماسی کشور از ظرفیت‌های اولیه برخوردار نیستند و همین عامل خود سبب شده است بسیاری از ناکارآمدی‌های عرصه دیپلماسی را مرتبط با این عامل بدانند. شاید به همین دلیل است که یکی مصاحبه‌شوندگان (مصاحبه شونده شماره ۸) داشتن ظرفیت‌های اولیه برای راهبران دیپلماسی ورزشی را چاره راه بسیاری از چالش‌ها و مشکلات پیش‌روی دیپلماسی ورزشی می‌داند. چینش و دسته‌بندی کدهای برخاسته از مصاحبه نشان داد این ظرفیت‌ها از طریق دانش علمی، شناخت معاهدات ورزشی بین‌المللی، دانش

دیپلماسی ورزش، خودآگاهی سیاسی، دانش تجربی، فن بیان مناسب، داشتن مهارت سیاسی برای مدیران، تسلط به زبان انگلیسی و آگاهی کامل به موضوع و کرسی که راهبران ورزشی در عرصه ملی و بین‌المللی در اختیار دارند، شکل می‌گیرد. همچنین مشخص گردید که بستری سازی یکی از راه‌های مؤثر در بهره‌مندی از ظرفیت دیپلماسی ورزشی است. به این معنی که اگر بسترسازی انجام شود می‌توان از ظرفیت دیپلماسی ورزشی استفاده کرد. به شرط اینکه شکل‌گیری کمیته‌های تخصصی در فدراسیون‌ها پیرامون دیپلماسی، بکارگیری ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماسی، حمایت مسئولین کرسی‌های بین‌المللی ورزشی از سوی مسئولان کشور، استفاده از ظرفیت مشاوره‌ای وزارت خارجه، تعیین جایگاهی برای ورزش از سوی وزارت امور خارجه، پیگیری دیپلماسی از طریق نهادهای غیردولتی، وجود کارشناس ورزش در دستگاه وزارت خارجه، خصوصی سازی ورزش در کشور، توسعه دیپلماسی عمومی از سوی دولت، روشن‌سازی دکترین سیاست خارجی کشور، ایجاد کمیته‌های اجرایی با هدف کسب کرسی‌های بین‌المللی، هماهنگ‌سازی دستگاه دخیل در امر دیپلماسی، تعریف رشته روابط بین‌الملل در ورزش ذیل دانشکده‌های ورزشی، ایجاد یک نهاد نظارتی برای پیشبرد دیپلماسی ورزش، در نزد مسئولان عالی رتبه کشور به ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماتیک نگاه شود، ارزش‌گذاری دیپلماسی ورزش از سوی شورای عالی ورزش کشور و تعیین چارچوب کلی برای دیپلماسی ورزشی در دستور کار نهادها و دست‌اندرکاران مربوطه قرار گیرد.

در تبیین دیگر اینکه از دیدگاه یکی از مصاحبه‌شوندگان دارای تخصص مدیریت استراتژیک (مصاحبه‌شوند شماره ۶) مشخص گردید که بهره‌مندی از ظرفیت دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل در گروه تدوین برنامه راهبردی است و تا زمانیکه برای این منظور برنامه‌ای جامع و مانع تدوین و طرح‌ریزی نشود نمی‌توان انتظار آن را داشت که سیاست‌های تعیین شده در این حوزه به درستی اجرا شود. براساس اجماع نظر مصاحبه‌شوندگان در تدوین برنامه راهبردی لازم است به استفاده از ورزش به عنوان یک راهبرد اولویت‌دار، تعیین چشم‌انداز، تعیین فلسفه وجودی ورزش، شناخت پیشران‌های اصلی حوزه ورزش، تدوین برنامه مبتنی بر سیاست‌های ملی کشور و هدف‌گذاری تأکید و تمرکز شود. در مقابل تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد علاوه بر تأکید بر شاخص مذکور بایستی به سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم هم توجه شود. سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم به این معنا که بودجه کافی ویژه کسب کرسی‌های مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی، اعتبارات ارزی مناسب برای هزینه در مجامع بین‌المللی ورزشی تخصیص یابد و در ورزش برای برگزاری رویدادهای ورزشی مهم هزینه شود. به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان (مصاحبه‌شونده شماره ۲)، کشور روسیه کشوری بود که از این ظرفیت به‌درستی استفاده کرد. این کشور با بکارگیری این راهبرد از طریق برگزاری جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۸، توانست خود را از انزوای سیاسی خارج کرده و وجه بین‌المللی خود را ارتقاء دهد. سرانجام مشخص گردید که آگاهی بین‌المللی نیز خود یک عامل تعیین‌کننده در بحث دیپلماسی ورزشی است. آگاهی بین‌المللی به این معنا که راهبران دیپلماسی ورزشی از

وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر کشوری که در آن حضور پیدا می‌کنند، آگاهی و شناخت کافی و وافی داشته باشند. شایل مصداق بارز این بعد اثرگذار بر دیپلماسی را نه در حوزه ورزش بلکه در حوزه سیاست خارجه کشور ژاپن دید که در سفر اخیر هیأت ایرانی به ژاپن (مورخ ۲۰ دسامبر / ۲۹ آذرماه ۱۳۹۸) ژاپنی‌ها برای میزبانی از رئیس جمهور کشور و هیأت همراه در محل برگزاری جلسه آیین باستانی ایرانی‌ها را پاس داشتند. این نشان می‌دهد که ژاپنی نسبت به مسائل فرهنگی و تاریخی ایران آگاه هستند و سعی می‌کنند همواره از این طریق و پاسداشت مناسبات سیاسی و دیپلماتیک خود را تسهیل کنند. البته ذکر این نکته حائز اهمیت که مناسبات دیپلماتیک چه ورزشی و چه غیرورزشی در این عوامل خلاصه نمی‌شود و ممکن است پارامترهای دیگری نیز وجود داشته باشد که در این تحقیق فقط این عوامل شناسایی شد.

به طور کلی در این تحقیق مشخص گردید که دیپلماسی ورزشی، یک از ابزار بسیار مهم قدرت نرم برای هر کشوری است. این قدرت که مبتنی بر ارزش های فرهنگی و اجتماعی است می‌تواند مناسبات سیاسی کشورها و در عین حال مناسبات ورزشی آن‌ها را دستخوش تغییر کند. به همین منظور کارکردهای که برای آن می‌توان متصور شد در دو قالب یا دو بعد دیپلماسی ورزشی جهت راهبرسی سیاسی و دیپلماسی ورزشی جهت راهبری ورزشی خواهد بود. در این تحقیق همچنین مشخص گردید که بهره‌مندی و استفاده از دیپلماسی در هر دو بعد در گروه این است که عوامل اثرگذار بر این مهم را شناخته و برای آن برنامه‌ریزی کنیم. این عوامل شامل کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش، داشتن نقشه راه برای راهبران سیاسی در عرصه بین‌المللی، جریان سازی، ظرفیت‌های اولیه برای مسئولان روابط بین‌المللی، بسترسازی، تدوین برنامه راهبردی، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم و آگاهی بین‌المللی بود.

منابع

۱. بابایی محمد، سیمبر، رضا، سلیمانی کشابه، سجاده، و رضایی، مریم. (۱۳۹۴). تأثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم در نظام بین‌الملل. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۴، شماره ۲۹، صص: ۲۶-۱.
۲. باقری، یوسف، شریعتی فیض‌آبادی، مهدی، و نظریان، عباس. (۱۳۹۵). مدل‌سازی نرم (ISM) مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش. مدیریت ورزشی، دوره ۸، شماره ۵، صص: ۸۲۱-۷۹۷.
۳. خبیری، محمد، و فتاحی‌زاده، ابوذر. (۱۳۹۸). دیپلماسی ورزشی، ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۸، شماره ۴۳، صص: ۱۶۴-۱۴۳.
۴. شریعتی فیض‌آبادی، مهدی، و گودرزی، محمود. (۱۳۹۴). جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا. دوفصلنامه دانش سیاسی، سال یازدهم، شماره دوم، صص: ۹۵-۱۲۷.
۵. شریعتی، مهدی، و گودرزی، محمود. (۱۳۹۶). مدل‌سازی ساختاری مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران. رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، دوره ۵، شماره ۱۶، صص: ۸۹-۱۰۴.

۶. گودرزی، محمود، سجادی، نصرالله، جلالی فراهانی، مجید، و بخشی چناری، امین رضا. (۱۳۹۸). ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، دوره ۶، شماره ۳، صص: ۱۵-۲۲.
۷. مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۳). نقش ورزش در سیاست خارجی قطر: از هویت یابی تا بازیگری منطقه‌ای. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۸. نوروزی سید حسینی، رسول. (۱۳۹۴). طراحی مدل توسعه سرمایه انسانی در ورزش با تأکید بر رویکرد قابلیت. رساله دکتری تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، گرایش مدیرین ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. نوری، داود، قدیمی، بهرام، و شجاعی، معصومه. (۱۳۹۷). طراحی الگوی دیپلماسی فوتبال ایران براساس نظریه زمینه‌ای. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۷، شماره ۴۱، صص: ۳۳-۱.
۱۰. هادیان، ناصر، و احدی، افسانه. (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۳، صص: ۸۵-۱۱۷.
۱۱. هوشمندی، زینب، و بابایی، مجتبی. (۱۳۹۴). دیپلماسی ورزش، سیاست‌ها و ایجاد صلح. دومین همایش ملی مدیریت برگزاری رویدادهای ورزشی، همدان، ایران. DOI: ۱۰.۱۳۱۴۰/RG.۲,۲,۱۳۳۲۰,۱۱۵۲۸.
۱۲. Abdi, K., Talebpour, M., Fullerton, J., Ranjkesh, M. J., & Nooghabi, H. J. (۲۰۱۹). Identifying Sports Diplomacy Resources as Soft Power Tools. *Place Branding and Public Diplomacy*, ۱۵(۳), ۱۴۷-۱۵۵.
۱۳. Charmaz, K. (۲۰۰۶). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. sage.
۱۴. de-San-Eugenio, J., Ginesta, X., & Xifra, J. (۲۰۱۷). Peace, sports diplomacy and corporate social responsibility: a case study of Football Club Barcelona Peace Tour ۲۰۱۳. *Soccer & Society*, ۱۸(۷), ۸۳۶-۸۴۸.
۱۵. Jackson, S. J. (۲۰۱۳). The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world. *International Area Studies Review*, ۱۶(۳), ۲۷۴-۲۸۴.
۱۶. Li, Y. W. (۲۰۱۳). Public diplomacy strategies of the ۲۰۰۸ Beijing Olympics and the ۲۰۱۲ London Olympics: a comparative study. *The International Journal of the History of Sport*, ۳۰(۱۵), ۱۷۲۳-۱۷۳۴.
۱۷. Merkel, U. (۲۰۰۸). The politics of sport diplomacy and reunification in divided Korea: One nation, two countries and three flags. *International Review for the Sociology of Sport*, ۴۳(۳), ۲۸۹-۳۱۱.
۱۸. Murray, S. (۲۰۱۸). *Sports diplomacy: Origins, theory and practice*. Routledge.
۱۹. Özsari, A., Fişekçioğlu, İ. B., Çetin, M. Ç., & Temel, A. S. (۲۰۱۸). Sport Diplomacy as Public Diplomacy Element. *International Journal of Sport Culture and Science*, ۶(۳), ۳۳۹-۳۴۹.

۲۰. Ushkovska, M., & Petrushevska, T. (۲۰۱۵). Sports Diplomacy: Development and Practice. *Research in Kinesiology*, ۴۳(۱), ۸۹-۹۳.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار